

# انسان رو در روی جهان

جستارهایی درباره‌ی فردیت خلاقِ نویسنده و شاعر

در گفت‌وگو با اهل قلم و اندیشه

کیوان باژر

www.ketab.ir

سرشناسه: باژن سیران، ۱۳۸۱ -  
 عنوان و نام پدیدآور: انسان روی جهان: ستارهایی دربارهی فردیت خلاق  
 نویسنده و شاعر در گفتگو: اهل قلم و اندیشه / کیوان باژن  
 تهران: نشر قطره، ۹۴  
 مشخصات ناشر:  
 مشخصات ظاهری: ۳۱۶ ص  
 فروست: سلسله انتشارات - ۱۸۵۵، ادبیات - ۲۰۳  
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۹-۸۶۰-۱  
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیفا  
 یادداشت: کتابنامه  
 موضوع: فردیت  
 موضوع: فردیت در ادبیات  
 رده بندی کنگره: BF ۶۹۷ / پ ۲ الف ۸ ۱۳۹۴  
 رده بندی دیویی: ۱۵۵/۲  
 شماره ی کتاب‌شناسی ملی: ۴۱۳۵۲۸۲

ISBN: 978-600-119-860-1

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۹-۸۶۰-۱



نشر قفطره

انسان رو در روی جهان

کیوان باژن

طراح جلد: مهسا ثابت دیلمی

چاپ اول: ۱۳۹۵

چاپ: دیجیتال نقش

ر: ۴۰۰ نسخه

بها: ۲۰۰۰ تومان

---

استفاده از این اثر، ممنوع است،

بدون اجازه ممنوع است.

---

خیابان دکتر فاطمی، خیابان شیخلر (ششم)، کوچه یوسفی، پلاک ۸

تلفن: ۳-۵۱۳۳۹۷۸۸

دورنگار: ۸۹۹۶۸۹۹۶

کد پستی: ۱۴۱۵۶۷۳۳۱۳

---

[www.nashreghatreh.com](http://www.nashreghatreh.com)

[info@nashreghatreh.com](mailto:info@nashreghatreh.com)

[nashr.ghatreh@yahoo.com](mailto:nashr.ghatreh@yahoo.com)

Printed in the Islamic Republic of Iran

## فهرست

|    |               |
|----|---------------|
| ۹  | پیشگفتار..... |
| ۲۳ | فردیت.....    |

## گفت‌وگو با:

|     |                                                           |
|-----|-----------------------------------------------------------|
| ۳۵  | تنها، داشتن ذوق کافی نیست! (منوچهر آتشی).....             |
| ۴۲  | هنوز به عصر مدرنیته‌ی خود نرسیده‌ایم! (سید اسحاقیان)..... |
| ۶۲  | تکوین فردیت خلاق و خاستگاه اجتماعی (حسن احمدی).....       |
| ۷۶  | تاوانِ خلافِ آب شنا کردن را باید داد! (علی بابا-علی)..... |
| ۱۰۱ | من با عاطفه‌ی همگانی متولد شده‌ام! (سیمین بهبهانی).....   |
| ۱۱۳ | فردیت، محصول مدرنیسم (فتح‌الله بی‌نیاز).....              |
| ۱۳۱ | خلوت ما به هم‌ریخته است! (رضا جولایی).....                |
| ۱۳۶ | فردیت، خصوصیتِ جوامع انسانی (ابوتراب خسروی).....          |
| ۱۴۷ | خلافت و دغدغه‌های اجتماعی (علی اشرف درویشیان).....        |
| ۱۶۳ | من در هنر و ادبیات متولد شده‌ام! (محمود دولت‌آبادی).....  |
| ۱۸۳ | مواجهه با جهانی پیچیده و غیرقابل فهم (حسین سنابور).....   |
| ۱۹۴ | فهم زبانِ فردیت (سید علی صالحی).....                      |
| ۲۰۲ | خودشیفتگی به جای فردیت (محمدعلی علومی).....               |

- ۲۳۱ ..... انسان، برای جهان ساخته شده است! (شمس لنگرودی)
- ۲۳۹ ..... فردگرایی به جای فردیت (جواد مجابی)
- ۲۴۶ ..... فردیت جسارت می‌خواهد! (مجید مددی)
- ۲۶۶ ..... انسان، آرمانِ شعر، در طول تاریخ! (حافظ موسوی)
- ۲۷۸ ..... فردیت‌ها، به هم ریخته است! (حمید یزدان‌پناه)
- ۲۹۷ ..... فهرست راهنما
- ۳۰۵ ..... اصطلاحات و مفاهیم

www.ketab.ir

## پیشگفتار

جامعه‌شناسی ادبیات و دغدغه‌ی «من» نویسنده

اگر بپذیریم تمامی فعالیت‌های کیفیت‌های روانی انسان، ناشی از زندگی اجتماعی او است و در گروی محیط‌های - معی است که چنین کیفیاتی شکل و معنای خاصی به خود می‌گیرند - چرا که اساساً در جامعه‌شناسی، انسان به‌عنوان پدیده‌ای جمعی تعریف می‌شود - هم‌چنین اگر بپذیریم هنرمند نیز به‌عنوان پدیده‌ای انسانی، زائیده‌ی شرایط اقتصادی و اجتماعی خویش است آن‌گاه در تحلیلی واقع‌گرایانه و عینی، ضرورت درک رابطه‌ی آفرینش ادبی با زندگی اجتماعی، رابطه‌ای غیرقابل تردید خواهد بود که در تعریف این رابطه، هر نوع اثر ادبی و هنری را همان‌قدر پدیده‌ای اجتماعی خواهیم دانست که دیگر پدیده‌های زندگی را.

با نگاهی به تاریخ کشورمان، به‌ویژه بعد از انقلاب مشروطیت که به نوعی ورود جامعه به دنیای مدرن را نوید می‌دهد، به‌راحتی چنین رابطه‌ی عینی‌ای را خواهیم دید.

درواقع «ورود مدرنیته در ایران، علی‌رغم کاستی‌ها و نقایصی که به همراه داشت، ساختار اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی ایران را به کلی متحول نمود. ایران از دوران انقلاب مشروطه به این سو، در هیچ جنبه‌ای از حیات خود، با عصر صفوی و یا پیش از آن، قابل مقایسه نیست. در این صد ساله، تقریباً همه چیز در نزد ما تغییر کرده است. از جمله برخورد ما با مفهوم آزادی! شاید باید گفت برخورد ما با مقوله‌ی آزادی، پیچیده، گنگ و سرگیجه‌آور شده است: زیرا ما را در مقابل درک سنتی مان از «رهایی» قرار می‌دهد...

در ایران شکل‌گیری ارتش مدرن، گسترش آغازین صنعت، تشکیل نخستین دانشگاه، پیدایش شناسنامه در عصر رضاشاه، به شکل‌دهی شه‌نشینی با اسم و رسم و نام و نشان‌دار، کمک فراوان نمود که این همه، مراحل استانی «جامعه‌ی مدنی» و «فردیتی» را - که البته هنوز نه پدیده‌ای خودگرا و خودپوش که ماحصل رفم‌های دولتی بوده است - ایجاد نمود.<sup>۱</sup> از این رو است که می‌گوییم فعالیت‌های فردی انسان، ناشی از زندگی اجتماعی او است و نفس این شرایط در شکل‌گیری فرآیند فردیت او غیرقابل انکار. اما «فردیت» به‌طور کلی چیست؟ و این فرآیند به چه شکلی، صورت می‌گیرد؟ در این جا اگر بخواهیم از تعبیر «زریل» کمک بگیریم می‌توانیم بگوییم که «فردیت» Individualation به معنای آزادی و مسئولیت برای خود شخص است که ناشی از محیط اجتماعی گسترده‌تری ثبات می‌باشد.<sup>۲</sup> «یونگ» هم معتقد بود که هدف فرآیند رشد فردیت انسان است که خویشتن را حس کنیم: همان‌گونه که هست؛ غیرمنطقی و غیرقابل تدبیر. حس کنیم که «من» نه در مقابل «خویشتن» قرار دارد و نه ناظر «خویشتن» است، بلکه تنها به آن متصل است و همان‌گونه که زمین به دور خورشید می‌گردد، «من» نیز به دور «خویشتن» می‌گردد.

اما ورای این تعریف‌ها، آن چه اهمیت دارد نوع رابطه‌ی فردیت با ضرورت‌های اجتماعی است که در جامعه‌ی ما کم‌تر به آن پرداخته شده

است، همان‌طور که در مورد فردیتِ خلاق هنرمند و نویسنده به‌طور اخص، و به‌مثابه‌ی مبنایی برای شکل‌گیری ادبیات، هنر و فرهنگ هر جامعه نیز توجه زیادی نشده است. بسیاری از فیلسوفان و جامعه‌شناسان از جمله: «گلدمن»، «لوکاج» و... به آن پرداخته‌اند، و آن را در عرصه‌ی یک بینش علمی، به خاستگاه پدیده‌های فرهنگی و ادبی جوامع رهنمون کرده‌اند.

## ۲

واقعیت این است که اگرچه به‌طور کلی «فردیتِ خلاق» در آفرینش ادبی نقش به‌زائی دارد اما به قول «گلدمن» چنین فردیتی به‌تنهایی نمی‌تواند مورد نظر باشد و «این نفس منفرد نیست که با ماجراجویی‌ها یا نبوغ خویش، یک اثر هنری را که با دیگر آورده‌های فرهنگیِ زمان او و با جهان‌بینی افراد دیگر هم‌گروه و هم‌زمان است، ایراد همگونی دارد اختراع می‌کند...»<sup>۳</sup> و در یک کلام: «پدیدآورندگان راسخ از سبای فرهنگ، گروه‌های اجتماعی هستند و نه نفس‌های منفرد».<sup>۴</sup>

بنابراین هر اثر ادبی، بیان نوعی ذهنی است و از آن‌جا که چنین آگاهی‌ای از معنایی تجریدی و انتزاعی برخوردار است و خود از فعالیت‌های روانی و شرایطِ ذهن (شعور) تک تک افراد جاافتاده ناشی می‌شود به‌راحتی می‌توانیم به مفهوم رابطه‌ی دیالکتیکی بین فردیت و حلالانه یعنی آگاهی هنرمند و نویسنده با زندگی اجتماعی (حالت‌های روانی جامعه یا ره‌انشناسی اجتماعی یا خودانگیختگی جمعی) پی ببریم.

کشف چنین ارتباطی در نقد ادبی و هنری بسیار حائز اهمیت است. البته باید توجه داشت که در ارتباط بین آگاهی هنرمند و نویسنده با خودانگیختگی جمعی و در یک حالت عمومی، همواره مفهوم آگاهی از خودانگیختگی به‌وجود می‌آید، شکل می‌گیرد و از آن می‌گذرد و حتا به مقابله با آن برمی‌خیزد. کیفیتِ شکل‌گیری آن و مدت زمان برای رسیدن به چنین آگاهی‌ای نیز بستگی



مستقیم با شعور هنرمند دارد. اما چنین نیروی شکل یافته‌ای، دیگر نمی‌تواند با بعضی از احساس‌ها، حالت‌ها و رفتارهای سنتی عقب‌مانده و ارتجاعی کنار بیاید و در نتیجه آن را پس خواهد زد. همین آگاهی است که خود را به مثابه فکری پیشرو نشان داده و سعی می‌کند تا با شناخت هر چه بیش‌تر از حالات و احساسات جامعه، آن را در مسیری آگاهانه به حرکت رهنمون سازد و درنهایت، تکامل فرهنگی جامعه را رقم بزند.

این فکر پیشرو اما، از نظر ماهیت با مفهومی که از آن، به‌عنوان فردگرایی (Individualism) نام برده می‌شود، تفاوت دارد. مفهومی که انسان را «تنها» و «خودمحور» می‌داند و نظریه‌ای که در آن، انسان بی‌هویت و اسیر «مصرف»، «پول» و «سود» است و «درنهایت، موجودی است درمانده و قابل‌ترحم، و در رویارویی با جهان بی‌مرج و مرج و معماهای بی‌پایان وجود، ناتوان». <sup>۵</sup> به همین منظور است که «بسیاری از فلاسفه و نویسندگان قرن بیستم در دفاع از این نظریه که جامعه، بشر، بی‌چون و چرا محکوم به جدایی از یک‌دیگر است و انسان ناگزیر است که جدایی تنها باشد، تأکید و پافشاری خاصی از خود نشان می‌دادند. مارسل پریست [مور] گفت: «تنهایی انسان را نهایی نیست.» <sup>۶</sup>

«بدین ترتیب، در ساختار جامعه‌ی سرمایه‌داری آزاد که مارکس به تحلیل آن پرداخته است، شی‌واره‌گی، تمامی ارزش‌ها را به عرصه‌ی ضمنی محدود می‌کند؛ آن‌ها را به خصوصیت‌اش محدود می‌سازد و هیچ واقعیت انسانی اساسی و آشکاری جز فرد محروم از هرگز پدید می‌آید و واسطه و ملموس و آگاهانه با جمع، باقی نمی‌گذارد. دنیای متعادل‌تری که با این ساختار، منطبق باشد درنهایت، دنیای رابینسون کروزونه خواهد بود که انسانی منفرد است رویاروی جهانی از اشیاء و گیاهان و حیوانات (و در چنین دنیایی، انسان دیگری وجود ندارد جز مزدبگیری که در قالب شخصیت فردی به نام جامعه تجسم یافته‌اند... همان‌گونه که لوکاک در تحلیل بسیار ژرف‌تری نشان داده،

انسان نمی‌تواند انسان بماند و در عین حال فقدان ارتباط‌های ملموس و مشترک با انسان‌های دیگر را بپذیرد و به همین سبب، آفرینش هنری اومانیستی که واقعاً با ساختار شی‌وازی جامعه‌ی سرمایه‌داری آزاد انطباق داشت، سرگذشت فرد پرویلماتیک بود؛ بدان‌گونه که در ادبیات غربی، از دن‌کیشوت گرفته تا گوته و استاندال و فلوبر (و همان‌طور که ژرار نشان داد، همراه با برخی تغییرات، تا پروست و در روسیه تا داستایوسکی) ترسیم شده است.<sup>۱</sup>

این فزیری اما، به سبب تلقین وجود «من» بدون «دیگری» است. در حالی که به قول «گوک»: «ما باید توانایی انجام و بازگرداندن وظیفه‌ای را که نسبت به زندگی و دیگران بر عهده داریم داشته باشیم. ما نباید راینسون کروزونه باشیم، و واقعاً نباید باشیم»<sup>۲</sup> برای همین می‌بینیم که خود او نیز به‌عنوان یک نویسنده، «ایمان را از نسبت به اصل فعال در انسان، توانایی انسان در درگرونی جهان و افزایش که به او دست‌آورده‌های آن داشت. او نوشت: در تمامی دوران زندگیم کسانی واقعاً من واقعی می‌دانم که به کارشان عشق می‌ورزند و در انجام آن موفق هستند. مردمانی که هدف آن‌ها رهایی توانایی انسان برای مقاصد فعال است، زیباسازی جهان ما و ایجاد نهادهایی که در آن، زندگی آن‌چنان جریان یابد که سزاوار انسان باشد»<sup>۳</sup>.

اگرچه جامعه از افراد تشکیل شده اما روند رشد و حرکت پدیده‌هایش، مستقل از پروسه‌ی حیات و نیازهای فردی است؛ و این، در رابطه با هنرمند و نویسنده نیز مصداق پیدا می‌کند. در این جا چیزی که از قلم افتاده فرآیند آگاهی فردی هنرمند و خودانگیختگی جمعی است که نمی‌تواند و نباید جدا از هم بررسی شود. همان‌طور که نمی‌توان منشأ این پدیده‌ها را از فرد دانست بلکه برعکس، محیط اجتماعی است که

حالات و عادات روانی خود را به وجود می آورد.

خطایی که گریبان جوامعی را گرفته که در آن، روابط آدم‌ها بر مبنای «پول» و «کالا» تعریف می شود، از یک سو، انحرافی است که در بها دادن به مسائل و قوانین روانی فرد، هم چنین در تعیین مسائل فرهنگی و ادبی به وجود آمده و از سویی دیگر، نگاه سودجویانه‌ای است که این نوع جوامع به اجتماع، مردم و فرهنگ دارند. «با این همه، ساختار جهانی که در آن اشیا، واقعیتی مستقل و خاص خود به دست آورده اند از چنین جزئیاتی مهم تر است. در این جهان، انسان‌ها به جای سلطه بر اشیا، همانند آن‌ها شده اند، و احساساتی در کار نیست مگر راحدی که هنوز بتوانند از خلال شی‌واره‌گی، جلوه‌گر شوند.»<sup>۱</sup>

۴

گفتیم هنگامی که آگاهی فرد هنرمند تکامل یافت و به یک نیروی مادی و شکل گرفته در آمد، خواه اخواه نقش پيشاهنگ را به خود می گیرد که در مقوله‌ی ادبی، همان نویسنده است. از این روست که آگاهی هنرمند را باید محصول فرآیند تکامل جامعه دانست. دست همین جاست که می‌گوییم ذهنیت فردی با عینیت جامعه در یک رابطه دیاکتیکی قرار گرفته و پدیده‌ای هنری را خلق می‌کند. البته آگاهی و خلاقیت هنری باید بر یکدیگر اثر بگذارند. در این اثرگذاری، عنصر آگاهی یعنی هنرمند و نویسنده، ناگزیر به مکمل خود یعنی خودانگیختگی جمعی توجه دارد؛ نه به خاطر این که خود را هم سطح آن کند بل آن چه را که با نیروی خلاق خود کشف کرده به او منتقل نماید. هم چنین فرد نویسنده به مثابه کسی که از میان این خودانگیختگی جمعی برخاسته است، به سطحی از درک و شناخت می‌رسد و با توجه به تأثیرات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی به آفرینش ادبی با معیارهای زیبایی‌شناسی می‌پردازد و در نهایت، همه‌ی این فرآیند با استفاده از پیشینه‌ی آگاهی و با نگاه به مقوله‌های اساسی انسان و با درک ضرورت‌های تاریخی

جامعه و در یک کلام با استفاده از تمام آن چه جامعه در اختیارش گذاشته، نمود می یابد.

«لوکاج» با چنین دغدغه هایی است که هنر را از دیدگاه هستی شناختی، بازآفرینی فرآیندی می داند که انسان از رهگذر آن، تمام زندگی خود را در جامعه و طبیعت، همراه با همه ی مسائل و اصول خوشایند یا ناخوشایند در نظر می گیرد و زندگی را تعیین کرده و به آن مربوط می کند.<sup>۱۱</sup>

با توجه به همه ی این ها است که می گوئیم هیچ اثری نمی تواند بیان تجربه ی صرفاً فردی هنرمند یا نویسنده باشد بل در مجموع جامعه بسط یافته یا در میان شهرها، جامعه که خود هنرمند از میان آن ها برخاسته نمود می یابد. آگاهی تاریخی، نشان داده و می دهد که رابطه ی انسان با انسان های دیگر، هم چنین رابطه ی ادبیات با مردم و با مخاطبش، «من» فردی را از بین برده و در یک زمینه ی جدی تصرف می کند.

در طول تاریخ همواره بر نویسنده ای در پیرامون خود، رشته ی گسترده ای از اندیشه ها را می بیند و از میان آن ها اثر می گیرد. بنابراین چنین تأثیری می تواند و باید خود را در رابطه ی میان فرم ادبی و ساختار محیط اجتماعی ای که این فرم از درون آن تکامل یافته، خود را نشان دهد.

جامعه شناسی ادبیات با چنین دغدغه های پژوهشی به کشف این عناصر می پردازد. با چنین نگاهی، می توانیم هم عقیده با «ال دای» بگوئیم که ادبیات و فلسفه در سطوحی متفاوت مبین یک جهان بینی اند و همین بی ها اموری فردی نیستند بلکه اموری اجتماعی اند<sup>۱۲</sup> سپس همراه با او نتیجه بگیریم که این جهان بینی ها به وسیله ی شرایط اقتصادی و اجتماعی، به گروه و طبقات اجتماعی تحمیل می شوند. بر همین پایه است که «خراپچنکو» در فردیت خلاق هنرمند و در بررسی آثار «داستایوسکی» می نویسد: «منطق واقعی تصویر هنری واقعیت اجتماعی که در آثار داستایوسکی مشاهده می گردد، ما را به پذیرش این واقعیت وا می دارد که بزرگ ترین کیفیات فرد و وحدت او با

دیگران برادری حقیقی مردم جهان تنها از طریق خلق یک نظم اجتماعی بر اساس تحقق اصل «هر چیزی برای انسان، هر چیزی در خدمت انسان» عملی می‌گردد.<sup>۱۳</sup>

با این همه، و با توجه به این مقدمه‌ی نسبتاً طولانی، باید خاطر نشان کرد که تحولات کیفی اندیشه در عصر حاضر، بین نگاه جامعه‌شناختی به «ادبیات و هنر» به طور اعم، و «هنرمند و نویسنده» به طور اخص، هم چنین مقولاتی چون «فردیت خلاق هنرمند» و چگونگی تکوین آن، و نگاه روان‌شناختی و هم چنین نگاهی که زاینده‌ی فردگرایی (اندویدوآلیستی) نظام سرمایه‌داری است، نشان می‌دهد که نه تنها نقطه نظرات مختلفی در این مقولات وجود دارد بلکه تأثیر تعمق بیش‌تر در چنین مفاهیم را - به ویژه در رابطه با «فردیت خلاق» - جست‌وجو ناپذیر کرده است.

علی‌رغم آنکه خلاقیت را به قول «فروید» ناشی از «عقده»، و «لیبیدو» را شامل تلاش‌هایی برای تسکین لذت و خلاقیت بدانیم؛ یا طبق اعتقاد «یونگ»، که مفهوم «ناخودآگاه» (هوشیار) جمعی را به «ناخودآگاه» اضافه کرد<sup>۱۴</sup> و راز خلاقیت را در مشغلی متعالی می‌داند که حتا روان‌شناس هم نمی‌تواند برای آن مشکل، راه‌حلی ارائه دهد، بلکه تنها می‌تواند آن را به عنوان واضح‌ترین بیانی که ریشه در بیکرانی ناخودآگاه دارد، توصیف کند؛ یا طبق نظر «نئوفرویدیست‌ها» که فرآیند خلاقیت را به عنوان ضمیر نیمه هوشیار (نیمه آگاه) می‌دانند، یا روان تحلیل گران بزرگی چون «است کریس»، «اتو کلاین برگ»، «وینی کات» و... که نظریات جالبی را مورد فرآیند اولیه و ثانویه دارند و آن را دارای نتایج مهمی برای شناخت فعالیت هنری و خلاق می‌دانند، باید گفت که بدون تردید آن چه مسلم است، مسئله‌ی «ژن نهفته» و یا «مسئله‌ی روانی و فردی یک نویسنده یا شاعر» در تکوین خلاقیت می‌تواند مهم باشد. بنابراین، دیدگاه‌های دیگر ناشی از مسائل روان‌شناختی و حتا بحث در مورد ژنتیک و وراثت و یا نظرات منتج از فردگرایی نظام لیبرالی نیز،

که هر کدام مترصدند تا پاسخ‌گوی گوشه‌ای از پرسش‌های گوناگون در مورد این مقولات باشند، قابل ارزیابی و بررسی‌اند. پرسش‌هایی از این دست که آثار ادبی در ارتباط با خواننده (مخاطب) است که می‌توانند ارزش - ارزش واقعی - داشته باشند یا صرفاً در ارتباط با خالقش؟ و یا این که آیا فرآیند زیبایی‌شناسی ادبی، وابسته به تعیین‌کننده‌های اجتماعی آن است؟ رابطه‌ی فردیت نویسنده و شاعر با این خودانگیختگی جمعی چگونه است و آیا اساساً بین این دو، ارتباطی وجود دارد یا نه؟ و سؤالاتی از این دست...

به نظر می‌رسد شناخت رابطه‌ی علمی بین این دو (فردیت و مخاطب یا آگاهی و خودانگیختگی جمعی) ضرورتی است که توجهی که باید به آن بشود، نشده است. با توجه به همین ضرورت‌ها بود که در این مجموعه، به بررسی این دو مقوله، به صورت به هم شالوده‌ای قلم و اندیشه در یک نظرسنجی پرداخته شده است. دغدغه‌ای که در این مجموعه راقم این سطور را به خود مشغول کرده است؛ و حال، با به انجام رسیدن بخشی از این دغدغه، امید است که مخاطب با قرار دادن نظرگاه‌های متفاوت در کنار هم، بتواند به یک جمع‌بندی در این مقولات برسد. همان‌طور که امید است این بحث‌ها فتح‌بایی باشد برای بحث‌های کامل‌تر در آینده!

\*\*\*

اما ذکر چند نکته ضروری است:

۱. تاریخ این گفت‌وگوها به زمانی برمی‌گردد که به کار روزنامه‌نگاری مشغول بودم؛ یعنی دهه‌ی هشتاد و دغدغه‌ی چه‌گونگی تکوین نیت خلاق نویسنده و شاعر و رابطه‌اش با مخاطب رهايم نمی‌کرد. از این رو مصمم شدم تا به نظرخواهی در این رابطه بپردازم. به این ترتیب تعدادی از گفت‌وگوهای مجموعه‌ی حاضر در روزنامه‌های آن زمان چاپ شده‌اند. اما آن‌چه آن زمان بود با آن‌چه الان است تفاوت‌هایی کیفی دارد. چرا که در جمع‌آوری و بازبینی گفت‌وگوها سعی کرده‌ام تا آن‌جا که میسر بود، سؤالات و جواب‌ها را بار دیگر

به گفت‌وگو شوندگان نشان دهم تا اگر تغییراتی یا اضافاتی را لازم دیدند اعمال کنند.

۲. از همان ابتدا تلاشم بر این بوده که به سراغ شخصیت‌هایی با افکار و عقاید متفاوت بروم تا درنهایت، این مجموعه طیف وسیعی از نظرات افراد را - علی‌رغم نوع بینش و دیدگاه‌های گاه متضاد - درباره‌ی موضوع موردبحث، شامل شود.

در جمع‌آوری این گفت‌وگوها اما، متوجه شدم که جای بعضی از شخصیت‌ها خالی است. از این‌رو تصمیم گرفتم به سراغ آن‌ها هم بروم و به گفت‌وگو، بروم. بنابراین بخش عمده‌ای از این گفت‌وگوها جدید هستند. به عنوان مثال گفت‌وگو با «سیدعلی صالحی»، «حافظ موسوی»، «حمید یزدان‌پناه»، «محمدعلی علومی»، «ابوتراب خسروی»، «جواد اسحاقیان» و...!

۳. سعی شده است که سؤال‌ها به سمتی برود تا جواب‌ها و نظرگاه‌های هر یک از فرهیختگان وادی ادب، روش‌های از تجربیات‌شان در این زمینه باشد؛ نه بحث‌های صرفاً نظری و تنویرهای خشک و گاه خسته‌کننده. از این‌رو موضوع اصلی، چه‌گونه‌ی تکوین فردیت خلایق نبوده و شاعر و رابطه‌اش با مخاطب است و در حاشیه به مسائل دیگر و عمومی‌تر پرداخته شده؛ مسلم است که این سؤالات، تنها زمینه‌ای را مهیا کرده برای بحث‌های مفصل و جامع‌تر که نگارنده امیدوار است دیگران، به‌ویژه جامعه‌ی دانشگاهیان در یک نگاه جامعه‌شناختی به این مهم پردازند.

۴. مقاله‌ی فردیت Individuality از «جان استوارت میل» را خانم «مهناز دقیق‌نیا»ی گرامی برای این مجموعه ترجمه کرده است تا به‌عنوان یک مقاله‌ی مستقل در این کتاب آورده شود. منبع این مقاله در پایان آن، آورده شده است.

۵. ذکر این نکته هم لازم است که گفت‌وگو با «علی باباچاهی» به کمک

دوست متقدم «کیوان خلیل نژاد» انجام گرفته است.

در پایان از همه‌ی کسانی که در به سامان رسیدن این مجموعه یاریم داده‌اند، به‌ویژه از جناب «فیاضی» گرامی - مدیر نشر «قطره» - و نیز از بزرگانی که به من وقت داده و با سعه‌ی صدرشان، پاسخ‌گوی سؤال‌ها بوده‌اند نهایت سپاس را دارم و امیدوارم، هم این بزرگان و هم مخاطبان این مجموعه، کاستی‌ها را به دیده‌ی منت نگاه کنند و بر من ببخشایند، که همه‌ی این‌ها برگزیده‌ی است تحفه‌ی درویش... تا چه مقبول افتد!

کیوان باژن

اردیبهشت ۱۳۹۴